

## Inheritance of children caused by artificial pregnancies

### ARTICLE INFO

*Article Type*  
*Research Article*

#### Authors

Akram Mosadeghi Khalilabad  
Akbar Fallah \*  
Ali Faghihi

#### How to cite this article

Akram Mosadeghi Khalilabad, Akbar Fallah, Ali Faghihi, Inheritance of children caused by artificial pregnancies, *Journal of Quran and Medicine*. 2023; 8(3): 69-79.

1. PhD student, Department of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran.

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran (Responsible Author)

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Babol Branch, Islamic Azad University, Babol, Iran

\* Correspondence:

Email: Akbar.fallah4040@gmail.com

### ABSTRACT

Having children is one of the most important duties that God has planned for spouses. A man and a woman start living together with the aim of having a child; however, in some situations, couples may not be able to have children through natural insemination, and in recent years, by using the scientific methods of artificial insemination, they have been granted the possibility of having children through artificial and laboratory methods. One of the most important effects of It is an inheritance that happens to all people. All people during their lifetime may inherit or transfer their property to their survivors after death. Different countries consider different bases for inheritance, such as biological or legal descent. In new pregnancies, since various challenges have arisen regarding the lineage. Inheritance also faces various problems. Who inherits in this type of insemination? What is the position of sperm owners in inheritance? How can parents inherit or transfer their inheritance? These are important issues that should be discussed in this article. Therefore, the current research investigates the inheritance caused by artificial pregnancies.

**Keywords:** Inheritance, Artificial Pregnancy, Descent

## ارث فرزندان ناشی از بارداری‌های مصنوعی

مقدمه

بدون تردید مبحث ارث یکی از عمده‌ترین و باسابقه‌ترین بخش‌های هر نظام حقوقی است که در طول تاریخ بشر در روابط اجتماعی انسان‌ها مورد توجه بوده است. از زمانی که مالکیت به عنوان یک تأسیس حقوقی به رسمیت شناخته شده، مسئله میراث نیز به تبع آن مطرح گردیده است. با پیشرفت دانش پزشکی و امکان درمان ناباروری از طریق پزشکی، مسائل متعدد و پیچیده‌ای در حوزه های اخلاقی، حقوقی، بهداشتی، اجتماعی، روان‌شناختی، دینی مطرح شده که باید از طرف پیشوایان دینی از یک سو و حقوقدانان و متخصصان علوم اجتماعی و تربیتی از سوی دیگر به آن‌ها پاسخ مناسب داده شود تا زمینه‌ی مناسب جهت وضع و تدوین قوانینی جامع و راهگشا فراهم شود. از جمله مسائل مهمی که در ارتباط با این موضوع در قلمرو مسائل حقوقی مطرح است، وضعیت ارث ناشی از شیوه‌های باروری نوین مانند (اهدای اسپرم، اهدای تخمک و اهدای جنین) متولد می‌شوند، است. ارث‌بری نیاز به شرایطی دارد که برای تحقق ارث وجود این شرایط لازم و ضروری است اما صرف وجود آن‌ها موجب تحقق ارث نمی‌شود این‌گونه باید توضیح داد که همین که رابطه نسبی میان فرزند و والد وجود داشته باشد فرد صاحب ارث نمی‌شود یا اینکه برای ارث‌بری وارث باید حین الفوت زنده باشد اما میان این شرط و تحقق ارث ملازمه‌ای وجود ندارد زیرا ممکن است به دلایلی از جمله موانع ارث وارث به ترکه دست نیابد. در پژوهش پیش رو که به شیوه توصیفی- تحلیلی که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته است، ارث در بارداری‌های نوین بررسی می‌شود.

## ۱- موجبات ارث

## ۱-۱. مرگ مورث

شرط نخست یا رکن اول برای تحقق ارث مرگ مورث می‌باشد مادامی که انسان زنده است بر اموال خود تسلط دارد و شخصیت او بر تمامی دارایی حاکم می‌باشد زمانی که فرد از دنیا می‌رود این تسلط به بازماندگان می‌رسد. (۱) یعنی اگر کسی نباشد که زنده‌ها از او ارث ببرند، ارث در خارج مصداق پیدا نخواهد کرد. وارث «ارث‌بر». موروث (ترکه) به آن میراث نیز گفته می‌شود و عبارت است از هر چیزی که از میت باقی می‌ماند: از قبیل اموال و حقوق مالی و غیرمالی که قابل انتقال باشد. بنابراین اگر یکی از ارگان سه‌گانه فوق نباشد ارث در خارج مصداق پیدا نخواهد کرد. (۲) لازم است که ابتدا برای بررسی ارث به وجود مورث پی برد این شرط بدیهی اما بسیاری مهمی است که باید مورد توجه قرار گیرد در فرضی که زن و شوهر اقدام به تلقیح مصنوعی از نوع همگون می‌نمایند و بعد از مدتی شوهر ناپدید می‌شود آیا می‌توان جنین را مستحق ارث دانست؟

اگر فرزند بعد از انعقاد نطفه زنده متولد شود از پدر ارث می‌برد می‌توان در شرایطی که برای مدتی زوج مفقود است حکم فوت

## اکرم مصدقی خلیل‌آباد

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران.

## اکبر فلاح \*

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول)

## علی فقیهی

دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

## چکیده

فرزندآوری یکی از مهم‌ترین وظایفی است که خداوند برای همسران در نظر گرفته است. زن و مرد با هدف دارا شدن فرزند، زندگی مشترک باهم را آغاز می‌نمایند؛ اما ممکن است در برخی از شرایط، زوجین از طریق تلقیح طبیعی قادر به فرزندآوری نباشند که در سال‌های اخیر با استفاده از شیوه‌های علمی تلقیح مصنوعی با روش‌های مختلفی به صورت مصنوعی و آزمایشگاهی امکان فرزندآوری به آن‌ها را اعطا شده است. یکی از مهم‌ترین آثار ناشی از نسب ارث است که برای تمامی افراد پیش می‌آید. تمامی افراد در طول زندگی ممکن است که صاحب ارث شوند یا دارای خود بعد از مرگ را به بازماندگان خود منتقل کنند. کشورهای مختلف برای ارث مبنای مختلفی از جمله نسب بیولوژیک یا حکمی در نظر گرفته است. در بارداری‌های نوین از آنجایی که در خصوص نسب چالش‌های مختلفی پیش آمده است. ارث نیز با مشکلات مختلفی مواجه است. چه کسانی در این نوع تلقیح ارث می‌برند؟ صاحبان نطفه در ارث‌بری چه جایگاهی دارند؟ والدین حکمی چگونه می‌توانند ارث ببرند یا ارث خود را منتقل نمایند؟ مسائل مهمی است که باید در این مقاله مورد بحث و بررسی قرار گیرد. فلذا پژوهش حاضر به بررسی ارث ناشی از بارداری‌های مصنوعی می‌پردازد. واژگان کلیدی: ارث؛ بارداری مصنوعی؛ نسب.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵

\* نویسنده مسئول: Akbar.fallah4040@gmail.com

میان قصاص و دیه حق انتخاب داشته باشد در مواردی که ولی دم تقاضای دیه کند پرداخت دیه الزامی است اما بر طبق قانون مدنی قاتل خود از آن سهمی نمی‌برد قتل تنها مانع ارث است که تمامی فقها در خصوص آن باهم اتفاق نظر دارند. (۱۰) برای پیشگیری از اعمال نیات شیطانی وارثان مبنی بر قتل مورث خود بیشتر کشورهای اسلامی قتل به مباشرت یا به تسبیب را عامل مهمی در ممنوعیت انتقال ارث به ورثه منسوب نموده‌اند. (۱۱)

بر طبق ماده ۸۸۱ قانون مدنی اگر ورثه در اثر دفاع مشروع یا اجرای قانون اقدام به قتل مورث نماید مشمول این مانع نخواهد شد در چه شرایطی می‌توان فرزندان ناشی از بارداری مصنوعی که اقدام به قتل یکی از والدین خود نموده است را از ارث محروم کرد؟

لازم است که اولاً، قتل عمد باشد قتل غیر عمد مانع تحقق ارث‌بری نمی‌باشد مشهور فقهای امامیه در خصوص قتل خطایی در این باورند که قاتل از ترکه ارث می‌برد لکن، نسبت به دیه مستحق دریافت ارث نیست. (۱۲) اقل فقها تنها صرف قتل را برای جلوگیری از ارث‌بری کافی می‌دانند و تفاوتی میان عمد و غیر عمد نمی‌دانند از دیدگاه این گروه از فقها که در اقلیت فکری در میان فقها می‌باشند همه نوع قتل می‌تواند مانع ارث شوند. (۱۳)

شرط دوم آن است که قاتل در زمره ورثه محسوب شود این فرض علی‌رغم وضوح می‌تواند در مواردی دارای اهمیت باشد به این مفهوم که اگر میان متوفی و ورثه درگیری رخ دهد اما متوفی در اثر اشتباه پزشکی دچار فوت گردد ورثه همچنان ارث می‌برد زیرا علت قتل نیست قتلی مانع ارث محسوب می‌شود که علت مستقیم قتل باشد؛ در صورتی که قاتل اقدام به قتل شریک ارث آینده خود را به قتل برساند مشمول این حکم نمی‌شود. (۱۴) مهم‌ترین شرط که مانع تحقق ارث می‌گردد آن است که قتل نباید در مقام دفاع یا اجرای قانون به‌عمل آمده باشد. این دیدگاه مورد اتفاق نظر کلیه فقهای مذاهب اسلامی است که از سوی مقتن ایران نیز مورد قبول قرار گرفته است. (۱۴) شرط سوم آن است که قاتل صغیر یا مجنون و فاقد مسئولیت کیفری نباشد عمد الصبی و المجنون به حکم خطا بنابراین این کم شامل افراد فاقد مسئولیت کیفری نمی‌شود. (۱۵)

اگر در فرضی وارث قاتل تنها ورثه مقتول باشد به زعم حر عاملی اولاد قاتل ارث مقتول را خواهند برد. (۱۶)

همان‌طور که مشخص شد قتل از روی اجرای قانون یا دفاع مشمول منع از ارث نمی‌شود اما دامنه دفاع چقدر است آیا دفاع مشروع در معنای عام شامل این استثناء می‌شود؟ قتلی که برای حفظ جان باشد موجب این محرومیت می‌شود یا قتل در مقام دفاع از ناموس و ارض نیز آن را شامل می‌شود؟

شهیدی در پاسخ بیان می‌کند که مشمول نمودن کلیه موارد دفاع مشروع در این قلمرو با منطوق حقوقی سازگاری ندارد زیرا دفاع مشروع که در مقام دفاع از عرض و آبرو افراد انجام می‌شود و در مقام کیفری سلب مسئولیت به عمل می‌آید صرفاً جهت دائل نمودن کیفر است و این امر مشمول ارث نمی‌شود بنابراین در موارد دفاع

فرضی گرفت و ارث او را تقسیم نمود و می‌توان اموال را میان وراثت تقسیم نمود. (۳)

۱-۲. وجود رابطه نسبی یا سببی

طبق ماده (۸۶۱) قانون مدنی ارث در صورتی ممکن است که میان مورث و وارث رابطه نسبی یا سببی وجود داشته باشد رابطه‌ای که در اثر خویشاوندی یا ازدواج به وجود می‌آید موجب برای ارث است. (۴) در حقوق اسلامی در صورتی بین دو نفر توارث برقرار می‌شود که بین آن‌ها رابطه نسبی یا سببی برقرار باشد که اصطلاحاً موجبات ارث نامیده می‌شود. یعنی بین مورث (ارث‌گذار) و وارث (ارث‌بر) ارتباط خویشاوندی و یا رابطه زوجیت برقرار می‌باشد. (۵) به حکم ماده ۱۰۳۳ ق.م. هر کس با یک نفر خویشاوندی نسبی داشته باشد، با زوج یا زوجه‌ی آن شخص نیز خویشاوندی سببی خواهد داشت. در قرابت سببی، وراثت، تنها میان زن و شوهر است و به سایر خویشان سببی مانند پدر و مادر همسر، سرایت نمی‌کند به همین جهت است که قانون‌گذار در ماده ۸۶۴ ق.م. تنها از میراث زوج و زوجه صحبت کرده است. (۶) آنچه در ارث‌بری اهمیت دارد آن است که مادامی طبقه بالاتر است طبقه مادون ارث نمی‌برد. (۷) عامل مهمی که در تحقق ارث باید مورد بررسی قرار گیرد پاسخ دادن به این پرسش است که آیا میان مورث و ورثه ارتباط وجود دارد؟ اگر پاسخ به این سؤال مثبت بود باید به بررسی نوع ارتباط و درجه آن پرداخت واضح است که نمی‌توان به هر فردی مطابق قوانین اسلامی ارث بخشید تحقق ارث برای افراد خارج از درجات و طبقات ارث تنها در قالب وصیت و آن‌هم یک‌سوم اموال امکان‌پذیر است.

۱-۳. زنده بودن وارث حین الفوت

شرط دیگری که در تحقق ارث لازم است زنده بودن جنین در حین فوت می‌باشد در صورتی که دچار شبهه باشیم که آیا ورثه زنده بوده یا مرده زنده بودن او استصحاب می‌شود و می‌توان او را شامل وراثت قلمداد کرد.

۱-۴. وجود ترکه

زمانی ارث به دیگری منتقل می‌شود که اساساً ترکه‌ای وجود داشته باشد تا دارایی نداشته باشد ارث به وراثت نمی‌رسد بدون دارایی انتقالی صورت نمی‌گیرد بعد از فوت کلیه دیون متوفی کسر شده و باقیمانده به ورثه منتقل می‌شوند وراثت هرگز صاحب دیون متوفی نمی‌شوند. (۸)

۲. مواضع ارث

۱-۲. قتل

ماده ۸۸۰ قانون مدنی مقرر می‌دارد که قتل عمد مانعی برای ارث‌بری به شمار می‌رود مقتن در این ماده نوعی تدبیر پیشگیرانه از قتل‌های خانوادگی جهت دریافت ارث نموده است همچنین از جهاتی نیز نوعی مجازات نیز به شمار می‌رود. (۹)

قتل عمد بر طبق قواعد حقوقی و فقهی موجب قصاص خواهد شد اما دین مقدس اسلام به خانواده مجنی علیه این اختیار را داده است که

مشروع غیر از دفاع از جان فرد تابع قاعده کلی شده و از ارث محروم می‌شود. (۱۷)

۲-۲. کفر

کفر در مقابل مسلمان استعمال می‌شود. اشخاصی که هنوز شهادتین را جاری ننموده‌اند کافر به شمار می‌روند. (۱۸) کافر از مسلمان ارث نمی‌برد لکن، مسلمان از کافر ارث می‌برد.

مانعیت کفر زمانی محقق می‌شود که مورث مسلمان باشد بنابراین از متوفی مسلمان هیچ کفاری نمی‌تواند ارث دریافت کند ترکه مورث مسلمان تنها به وارثان مسلمان او منتقل می‌شود و کفار هر چند از نظر طبقه و درجه نزدیک‌تر باشند از مسلمان ارث نمی‌برند.

اگر برای مثال زوجین بودائی در ایران اقدام به تلقیح مصنوعی نمایند اما فرزند آن‌ها در سنین بزرگ‌سالی مسلمان شود و علاوه بر خود یک برادر دیگر داشته باشد و والدین آن‌ها از دنیا بروند تمامی ارث به تازه‌مسلمان می‌رسد؛ زیرا برادر دیگر همچنان دین بودائی را داشته و بر طبق قوانین اسلامی مسلمان از کافر (والدین) ارث می‌برند و اگر یک مسلمان در کنار یک کافر یا تعداد بیشتری در ردیف وارثان قرار داشته باشد تمامی ارث به مسلمان می‌رسد این مثال را می‌توان از حالت دیگر نیز مطرح کرد اگر همین فرزند تازه‌مسلمان از والدین خود زودتر بمیرد تمامی دارای او مطابق قوانین ایران به حکومت می‌رسد زیرا والدین او بودائی بوده و آن‌ها از دارایی مسلمان ارث نمی‌برند در مجموع می‌توان مسلمان را مانع ارث‌بری کافر بدانیم مسلمان شدن کافر بعد از تقسیم ترکه تأثیری در انتقال آن نداشته و دیگر مشمول ارث نمی‌شود. (۲۰) در مواردی که کلیه وراثت کافر اصلی باشند و مورث نیز کافر اصلی باشد بر طبق قوانین مربوط به آن‌ها ارث تقسیم می‌شود تفاوت در میان دین آن‌ها تأثیری در تقسیم ارث ندارد (الکفر ملت الواحد) هیچ تفاوتی میان کفار مختلف وجود ندارد. (۲۱) در صورتی که متوفی مرتد باشد نیز تمامی ترکه او به حاکم شرع منتقل می‌شود که صرف فقرا و مساکین می‌شود خویشاوندان کافر متوفی اعم از کافر مرتد ملی و فطری تفاوتی در حکم ایجاد نمی‌کند. (۲۲)

۲-۳. زنا

زنا یکی از موانع ارث است که در قانون ایران به صراحت مورد لحاظ قرار گرفته است ماده ۸۸۴ قانون مدنی طفل متولد شده از زنا را محروم از ارث می‌داند زیرا ماده ۱۰۷۶ همان قانون به صراحت رابطه خویشاوندی میان زانی و زنازاده را انکار می‌کند و آن را ملحق به زانی نمی‌داند. (۲۳)

طوسی در این زمینه بیان می‌کند که ولد الزنا از هیچ یک از والدین خود ارث نمی‌برد. (۲۴) این گروه علاوه بر اینکه فرزند را از ارث‌بری محروم می‌نمایند والدین را نیز از ارث‌بری از فرزند ناشی از زنا منع می‌نمایند. (۲۵) بر این پایه که دیدگاه مشهور فقها را تشکیل می‌دهد در زنا هیچ‌یک از والدین و فرزندان ناشی از زنا از یکدیگر ارث نمی‌برند نظریه عدم ارث‌بری مطلق بر این امر استوار

است که نسب فرزند به زن و مردی که رابطه نامشروع داشته‌اند نمی‌رسد و نسب تنها از طریق مشروع محقق می‌گردد. برخی فقها در خصوص صحت این نظریه ادعای اجماع نموده‌اند.

در مقابل این نظریه که مشهور امامیه را به خود اختصاص داده است جمهور فقهای عامه رابطه ارث‌بری میان فرزند و مادر را برقرار کرده و تنها رابطه ارثی میان فرزند و پدر را منع می‌نمایند این گروه قائل به تفصیل شده‌اند و معتقد هستند که در زنا فرزند از پدر خود ارث نمی‌برد اما از مادر ارث می‌برد و مادر نیز از او ارث می‌برد همچنان که فرزند ملاعنه از مادرش و مادرش از او ارث می‌برد، بین فرزند نامشروع و مادرش نیز توارث برقرار است. صدوق نسب طفل نامشروع به مادر را صحیح دانسته ولی فرزند را به پدر منسوب نمی‌داند. (۲۶)

صانعی در نظریه‌ای که اقل محسوب می‌شود بیان می‌دارد که والدین از فرزند نامشروع ارث نمی‌برند اما فرزند از آن‌ها ارث می‌برد ولد الزنا را نمی‌توان به خاطر کار نکرده مشمول عقوبت دانست. (۲۷) با تتبع در نظریات مختلف اهل فقه مقنن ایران از همان نظریه مشهور فقهای امامیه یعنی منع ارث‌بری والدین و ولد نامشروع می‌دانند قانون ایران در ماده ۸۸۴ یکی از موانع ارث را تولد در اثر رابطه نامشروع قلمداد می‌کند.

۲-۴. سایر جهات

برخی از موانع ارث که در این قسمت مورد مطالعه قرار می‌گیرد چندان مبتلا به نمی‌باشند از جمله برده بودن که یکی از موانع ارث است.

لعان مانع دیگر ارث‌بری محسوب می‌شود منظور از لعان همان لعنت کردن است. در مواردی مورد استناد قرار می‌گیرد که مردی به همسر خود نسبت زنا داده و فرزند متولد از او را انکار نماید زن و شوهری که هم را لعان کنند یا فرزندی که از سوی پدر مورد لعنت قرار گیرد ارث را منتفی می‌نماید.

عول و تعصیب که در برخی مذاهب وجود دارد، در این دیدگاه باطل است. در موضوع ارث گاهی برخی موانع دیگر مانند حمل، مجوس، ولدالزنا، خنثی، لعان و رقیبت مانع آن می‌شوند که فرد ارث ببرد. گاهی نیز برخی افراد حاجب برخی دیگر در ارث بردن می‌شوند. در فقه شیعه برای مجوس سهمی از ترکه در نظر گرفته نشده است، اما درباره ارث غرق و مه‌دوم علیهم بیان شده است که ابتدا باید فرض شود یکی از آن دو فوت کرده تا تقسیم ارث صورت گیرد. سپس فرض شود فرد دوم فوت شده و دوباره تقسیم ارث انجام شود. درباره حبوه نیز بیان شده است که تنها به پسر بزرگ‌تر تعلق می‌گیرد. در مورد ارث زوج و زوجه نیز ارث هریک در شرایط مختلف بیان شده است.

۳. بررسی ارث ناشی از بارداری مصنوعی

در بارداری‌های مصنوعی مسئله ارث با چالش‌های زیادی همراه است. اینکه، طفل متولد شده از بارداری مصنوعی چگونه از والدین

صانعی و نظایر آن تلقیح مصنوعی از نوع ناهمگون در موارد ضرورت برای فرزندآوری موردقبول خواهد بود؛ هرچند مقنن در این زمینه ساکت است. در خصوص نسب طفل متولدشده می‌توان نسب فرزند را به صاحب اسپرم و تخمک تسری داد. به همین منظور توارث نیز میان آن‌ها برقرار می‌شود. پذیرش این دیدگاه که از سوی برخی از فقها از جمله مکارم شیرازی و فاضل لنکرانی مطرح شده است دارای این ایراد است که عمدتاً، اهدای اسپرم و تخمک از سوی افراد بیگانه ناشناس بوده و اهداکنندگان تمایلی به دارا بودن تعهد مازاد ندارند. بار کردن تعهد اضافی از جمله ارث بر صاحبان نطفه موجب کاهش تمایل افراد به اهدای اسپرم و تخمک و در نتیجه افزایش نابرابری در جامعه می‌شود. راه‌حل مناسب آن است که بار این مسئولیت را به زوجین متقاضی بار نماییم در این راستا خامنه‌ای نیز قائل به مصالحه شده است. (۲۵) به آن معنا که با توجه به احکام ثانویه و در راستای منافع حکومت اسلامی و افزایش جمعیت مسلمانان می‌توان از شیوه‌های بارداری مصنوعی استفاده کرد به‌نحوی که موجب افزایش تعهد اهداکنندگان نگردد شاید بتوان ماده ۳ قانون اهدای جنین که برخی از تعهدات مرتبط با حضانت را بر زوجین متقاضی بار نموده است را به این نحو تفسیر نمود که مقنن در نظر داشته است که تکالیف مرتبط با والد بودن را به زوجین متقاضی بار نماید اما به‌رحال سکوت مقنن و فقها در این رابطه همچنان می‌تواند موجبات اشکالات فراوانی را فراهم نماید.

طبق ماده ۸۶۱ قانون مدنی که می‌گوید «موجبات ارث دو امر است: نسب و سب» نسب یکی از موارد تحقق توارث است و طفلی که نسب مشروع دارد ارث می‌برد از اقوام و از او هم ارث برده می‌شود به شرط تحقق موجبات ارث. در مورد مسائله ما اگر اسپرم شوهر قبل از فوت با تخمک زن ترکیب شود و نطفه تشکیل شود در این صورت اگر زنده هم متولد شود همچون فرزند حاصل از نزدیکی طبیعی ارث می‌برد ولی اگر بعد از فوت شوهر نطفه تشکیل شود، در این صورت فرزند حاصل از لقاح مصنوعی از پدر خود ارث نخواهد برد. (۱۶)

ماده ۸۷۵ قانون مدنی شرط توارث را زنده بودن وارث در هنگام فوت مورث می‌داند بنابراین اگر لقاح در زمانی انجام شده باشد که مورث زنده است جنین از او ارث می‌برد در غیر این صورت ارث نمی‌برد به‌یقین می‌توان گفت که بین صاحب اسپرم و کودک، توارث برقرار است و آنان از یکدیگر ارث می‌برند. تنها عاملی که می‌تواند مانع ارث بردن طفل از پدر خود شود زنازادگی او است فقهای مخالف تلقیح مصنوعی ناهمگون بر این باورند که در خصوص طفل متولدشده از این نوع بارداری باید قائل به احتیاط شد. (۱۷) آن‌ها بر این باورند که هرچند در تلقیح مصنوعی ناهمگون زنا محقق نمی‌شود لکن طفل متولدشده از این تلقیح علی‌رغم وجود رابطه نسبی با صاحب اسپرم و تخمک مانند ولد الزنا از والدین خود ارث نمی‌برد اما در واقع نمی‌توان این نظریه را پذیرفت زیرا تلقیح مصنوعی

خود ارث می‌برد و در چه شرایطی به آن‌ها ارث می‌دهد، از مباحث مهمی است که در این قسمت مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۳-۱ بررسی ارث ولد از والد در بارداری‌های مصنوعی  
۱-۳. ارث از پدر

در دین مبین اسلام فرزند از والدین خود ارث می‌برد اما در بارداری‌های نوین حالات مختلفی پیش می‌آید که در میان فقه پژوهان و حقوق‌دانان اختلاف نظر وجود دارد. در خصوص اینکه بارداری‌های نوین از منظر حقوقی و فقهی جایز است یا خیر من‌حیث‌المجموع می‌توان بیان داشت که تلقیح مصنوعی به ویژه از نوع همگون موردقبول بیشتر فقها و حقوق‌دانان است. (۲۸) خامنه‌ای در این خصوص می‌گوید: «در مواردی که فرد متولدشده به‌وسیله لقاح مصنوعی از نوع همگون به والدین خود منسوب است و از آن‌ها ارث می‌برد البته با رعایت شرایط عمومی توارث لکن در مواردی که تلقیح مصنوعی از نوع ناهمگون است بهتر است که میان آن‌ها مصالحه صورت گیرد». ایشان در استفتائات به‌عمل‌آمده بیان می‌دارند که فرزند متولدشده در این موارد به صاحب تخمک و اسپرم متعلق است و از آن‌ها ارث می‌برد و نمی‌توان رابطه توارث میان زن صاحب تخمک با مردی که در فرآیند لقاح نقش نداشته است هرچند شوهر زن باشد برقرار نمود. خوبی نیز در این رابطه بیان می‌کند که فرزند متولدشده از لقاح مصنوعی تنها از صاحب اسپرم ارث می‌برد.

گروه دیگر تلقیح مصنوعی را به‌صورت مطلق حرام دانسته و آن را در حکم زنا می‌دانند. (۲۲) قبول این نظر به آن معنا است که فرزند متولدشده از این شیوه از والدین خود ارث نمی‌برد زیرا مشهور قبیهان معتقدند: «ولد الزنا» از تصدی برخی امور و پاره‌ای از حقوق اجتماعی محروم است؛ از جمله بین او و والدینش رابطه توارث وجود ندارد؛ بنابراین، نه او از والدین ارث می‌برد و نه ایشان می‌توانند از وی چیزی به ارث برند. (۲۹) اما نظریه اقل در این خصوص وجود دارد که ادعای می‌کند در این موارد والدین از فرزند ارث نمی‌برند ولی فرزند از والدین خود ارث می‌برد. (۳۰) به هر رو آنچه مسلم است موضع مشهور فقها در کشور ما و نظام حقوقی بر آن است که ولد الزنا ارث نمی‌برد بنابراین اگر لقاح مصنوعی را در حکم زنا بدانیم به معنای آن است که رابطه توارث میان پدر و فرزند برقرار نخواهد بود امری که موردقبول نگارنده قرار نگرفته است زیرا زنا مطابق قواعد اسلامی باید تفسیر مضیق شود و نمی‌توان تمامی روابط هرچند نامشروع را زنا دانست زیرا شارع مقدس در تعریف و اثبات زنا جزئیات را بیان داشته است به این مفهوم که باید مورد تفسیر محدود قرار گیرد بنابراین نمی‌توان لقاح مصنوعی ولو از نوع ناهمگون را زنا دانست؛ زیرا اولاً، رابطه جنسی میان دو طرف وجود نداشته است و در ثانی طرفین به‌قصد تولیدمثل اقدام به لقاح نموده‌اند نه لذت بردن جنسی که به آن واسطه زنا محقق شده است. از این رو می‌توان نظریه مزبور را رد نمود و مطابق نظریه مشهور فقهای تأثیرگذار در نظام حقوقی کشور از جمله خامنه‌ای، سیستانی، خوبی،

زنا نیست و هیچ قاعده‌ای دال بر حرمت این امر وجود ندارد بنابراین باید اصل را بر اباحه گذارد.

در آیه ۱۱ از سوره نساء خداوند در خصوص نحوه ارث بردن از پدر مقرر داشته است که، *بِوَصِيكُمُ اللّٰهُ فِيْ اَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْاُنثٰى* فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اٰثْنَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَ اِنْ كَانَتْ وَاَحَدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَ لِابْوَيْهِ لِكُلِّ وَاَحَدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ اِنْ كَانَ لَهُمْ وِلْدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وِلْدٌ وَ وَرَثَةٌ اَبْوَاهُ فَلَا مَهَ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ اِخْوَةٌ فَلَا مَهَ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُّوصِي بِهَا اَوْ دِيْنِ اَبَاؤِكُمْ وَ اَبْنَاؤِكُمْ لَا تَدْرُوْنَ اَيُّهُمْ اَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِنَ اللّٰهِ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلِيْمًا حَكِيْمًا فرض مسائله به این شکل است که اسپرم شوهر اخذ شده و بعد از تقویت و آماده‌سازی به زوجه تلقیح شود یا اینکه زوجه بعد از اخذ اسپرم آمادگی تولید تخمک را ندارد بنابراین اسپرم شوهر در وسایل مصنوعی نگهداری تا تخمک تولید و آماده تلقیح شود در فاصله اخذ و تلقیح اسپرم، شوهر فوت کند و بعد از فوت او اسپرم به زوجه تلقیح شود در این صورت آیا می‌توان قائل به ارث بردن طفل از پدر شد؟

خامنه‌ای نیز در تقویت نظریه عدم جواز ارث‌بری جنین اشعار می‌دارد که اگر نطفه شوهر گرفته شود و بعد از وفات او با تخمک همسرش لقاح شده و سپس به رحم منتقل شود عمل مذکور فی‌نفسه اشکال ندارد و کودک به صاحب تخمک و رحم ملحق می‌شود و الحاق آن به صاحب نطفه هم بعید نیست و فرزندی که به دنیا می‌آید از صاحب نطفه ارث نمی‌برد. خوبی در این رابطه تأکید می‌کند که در تلقیح مصنوعی نسب طفل به صاحب اسپرم می‌رسد و از این جهت باید هم او را والد نسبی دانست بنابراین طفل از او ارث خواهد برد. (۲۵) گلبیگانی نیز در این رابطه استدلال می‌نماید از آنجایی که فرزند حلال‌زاده است رابطه توارث بین او پدر برقرار خواهد شد. (۱۵)

در خصوص وضعیت انجام تلقیح مصنوعی بعد از فوت صاحب ارث استدلال می‌شود با توجه به ماده ۸۷۵ قانون مدنی از آنجایی که در حین فوت مورث جنین وجود نداشته است از صاحب اسپرم نیز ارث نمی‌برد. (۱۳) از سویی دیگر با توجه به اینکه دارایی از حقوق مربوط به شخصیت انسان می‌باشد و با موت انسان و پایان گرفتن شخصیت حقوقی وی ساقط می‌گردد، از این رو، با مرگ هر انسانی دارایی او فقط به ورثه موجود حین‌الفوت انتقال می‌یابد و با توجه به اینکه جنین ناشی از تلقیح مصنوعی به معنای تخمک بارور شده در حین موت موجود نبوده و برای ارث‌بری فاقد اهلیت تمتع می‌باشد و ارث بردن چنین طفلی برخلاف مبانی سنتی و فطری نظام وراثت است، نمی‌توان او را جز وارث محسوب

کرد؛ زیرا، طفل لقاح یافته پس از فوت پدر نه دارای اهلیت تمتع بوده و نه دارای شخصیت حقوقی. (حاجی عزیزی و قفقازی الاصل ۱۳۹۳، ۱۲۸) خوبی در این رابطه بیان می‌کند از آنجایی که بعد از مرگ رابطه زوجیت باقی خواهد ماند در نتیجه تمامی آثار نکاح برقرار خواهد بود جنین به صاحب اسپرم ملحق شده و در نتیجه از او ارث می‌برد. مقدس اردبیلی در این خصوص بیان می‌کند که هرگاه مردی بلافاصله پس از آمیزش با همسر خود، فوت نماید و سپس کودکی متولد شود که با توجه به امارات مربوط به حداقل یا حداکثر دوران بارداری، به متوفی منتسب گردد، طفل مزبور از پدر خود ارث می‌برد. در این فرض آنچه مسلم است این که هنگام فوت مرد، هنوز لقاح بین اسپرم و تخمک صورت نگرفته است تا چه رسد که بتوانیم آن را حمل به شمار آوریم و قطعاً انعقاد نطفه پس از فوت صاحب اسپرم صورت گرفته است. به نظر می‌رسد با فوت نتوان حکم به عدم بقای رابطه زوجیت داد بنابراین جنین به پدر خود منسوب شده و از او ارث خواهد برد تمام احکام زوجیت به زمان بعد از مرگ یکی از زوجین نیز تسری می‌یابد مگر آن دسته از احکامی که موضوعاً، قابلیت اجرا را ندارند از جمله پرداخت نفقه همسر مرده مادامی که نطفه قابلیت باروری دارد تلقیح آن بلاشکال است و جنین در این حالت از والدین خود ارث می‌برد برای ثبوت ارث صرف انتساب فرزند به پدر کفایت می‌کند محروم کردن جنین از ارث در این شرایط امری است که به نظر خلاف عرف و احساسات عامه به شمار می‌رود در واقع باید بیان داشت که طفل لقاح یافته از اسپرم پدر متوفی فرزند حقیقی او محسوب شده و محروم کردن او از ارث با وجدان عمومی سازگاری ندارد.

مسئله دیگر در این زمینه آن است که اگر در بارداری‌های مصنوعی روش رحم اجاره‌ای مورد استفاده قرار گیرد آیا طفل از شوهر مادر صاحب رحم ارث می‌برد؟

برخی در این زمینه بر این باورند که کودک به دلیل وجود عدم رابطه نسبی با شوهر زن صاحب رحم از او ارث نمی‌برد زیرا با او رابطه نسبی ندارد و در مقابل با مرد متقاضی نیز هیچ‌گونه رابطه نسبی نداشته و بنابراین وجود ارث‌بری از او منتفی است و گروه دیگر قاعده فراش را جاری دانسته و بر این باورند که طفل در این شرایط از شوهر زن صاحب رحم ارث می‌برد زیرا ظاهر در این موارد بر طبق قاعده فراش تعلق داشتن فرزند به شوهر زن است اما می‌توان به راحتی این دو نظریه را مردود دانست زیرا زوج صاحب رحم با طفل هیچ ارتباطی ندارد و قاعده فراش در این موارد قابلیت اجرا ندارد.

اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن او است؛ و برای هر یک از پدر و مادر او، یک‌ششم میراث است.

۱ - خداوند درباره فرزندانان به شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دوسوم میراث از آن‌ها است؛ و

۲-۱-۳. ارث از مادر

اطلاق مادر بر زن‌های مختلفی قابل‌تصور است زنی که صاحب تخمک است، زنی که او را در رحم حمل می‌کند و زنی که به او شیر می‌دهد در زمینه نسب طفل به این زنان نظرات مختلفی بیان شده تا جایی که نمی‌توان اتفاق‌نظر در میان فقها و حقوق‌دانان به دست آورد اما مشهور فقها قائل به نسب طفل از زن صاحب تخمک هستند اگر این نظریه را بپذیریم باید ارث‌بری طفل از این زن را هم قبول نماییم. مهم‌ترین سؤالی که در این قسمت مانند نسب مادری مطرح می‌شود این است که فرزند از کدام‌یک از زن‌های مؤثر در تولد او ارث می‌برد؟ زنی که رحم خود را برای تولد او در اختیار گذارده است یا زن صاحب تخمک؟ در صورت ترکیب تخمک‌های مختلف از زنان متعدد چه حالتی پیش می‌آید؟

در زمینه ارث نیز مانند نسب اختلاف‌نظر زیادی دیده می‌شود اگر طرفدار نظریه تولد باشیم باید مادری را که کودک را به دنیا می‌آورد مادر حقیقی طفل دانسته و احکام ارث را نسبت به او جاری نماییم. در این نظریه فرد از زنی ارث می‌برد یا به زنی ارث می‌دهد که از او متولد شده باشد؛ اما گروهی که زن صاحب رحم را در حکم مادر رضاعی طفل می‌دانند صرفاً برای او حرمت ناشی از ازدواج در نظر گرفته ولی قواعد ارث نسبت به مادر رضاعی هرگز اجرا نمی‌شود.

برخی از فقها از جمله فقیه اهل سنت از آنجایی که طفل متولد شده از تلقیح مصنوعی را ولد الزنا می‌دانند. تنها رابطه توارث را میان او و مادر برقرار می‌نمایند. به اعتقاد آن‌ها ولد الزنا (در اینجا طفل متولد شده از تلقیح مصنوعی) تنها از مادر خود ارث می‌برد زیرا هیچ نسی از صاحب اسپرم ندارد.

کسانی که مادر فرزند را مادر صاحب تخمک می‌دانند بر این باورند که فرزند صرفاً از مادر صاحب تخمک ارث می‌برد زیرا نسب او به این زن بازمی‌گردد برخی از فقها از جمله خوئی از ملاک ولادت در تعیین نسب طفل به مادر استفاده می‌نمایند به‌زعم ایشان زنی که کودک را به دنیا می‌آورد همان مادر حقیقی طفل به شمار می‌رود به این ترتیب در رحم اجاره‌ای زن صاحب رحم زنی است که مادر نسبی طفل محسوب می‌شود. اراکی نیز استدلال می‌کند زن صاحب رحم چون دلیل آخر به شمار می‌رود مادر حقیقی طفل به شمار می‌رود بنابراین در رحم اجاره‌ای زن صاحب رحم مادر نسبی طفل محسوب شده و توارث میان آن‌ها برقرار می‌شود. این نظریه نیز این ایراد را دارد که زن صاحب رحم در رحم اجاره‌ای صرفاً به قصد نیکوکاری یا کسب درآمد اقدام به این عمل می‌نماید و تمایلی به پذیرش تعهدات بیشتر به‌ویژه در زمینه ارث را ندارد، بار کردن تعهدات سنگین بر زنان در این مورد موجب کاهش تمایل آن‌ها به انجام اقدامات لازم برای اجاره رحم در ناباروری می‌شود. آخوندی که از جمله فقهای معدودی است که توارث در تلقیح مصنوعی را تنها به مادر نسبت می‌دهد بیان می‌کند که هنگامی فرزند می‌تواند از پدر خود ارث ببرد که تلقیح از راه جنسی و به‌صورت متعارف

گروهی از فقها خواستار رعایت اصل احتیاط در این شرایط هستند آن‌ها بر این باورند که در این قبیل مسائل باید با مصالحه و احتیاط پیش رفت نه سایر ورثه، کودک متولد شده از این طریق را به کلی از ارث محروم سازند و نه این کودک همه‌ی سهم‌الارث خود را، ملک خود بدهد بلکه با ورثه مصالحه کنند. مخالفان بر این نظریه انتقاد وارد کرده‌اند که منظور از مصالح در این نظریه چیست؟ چگونه می‌توان در این زمینه صلح نمود؟ اگر طرفین به مصالحه نرسند چه باید نمود؟ از آن گذشته ارث در دسته قواعد آمره است پس چگونه می‌توان به اراده افراد واگذار خامنه‌ای و سیستمی در این زمینه بیان می‌دارند که مرد متقاضی پدر طفل محسوب شده و رابطه توارث میان آن‌ها شکل خواهد گرفت. مصالحه در این نظریه به‌مثابه پذیرش نسب حکمی است قبول نسب والدین حکمی می‌تواند تمامی مشکلات پیش‌آمده در خصوص توارث را نیز مرتفع نماید زیرا انتساب طفل به صاحبان نطفه معمولاً، قابل‌قبول نیست زیرا در این شرایط اهدای تخمک، اسپرم و جنین با دلسردی افراد مواجه می‌شود و در عمل هم مطابق آئین‌نامه قانون اهدای جنین مشخصات اهداکننده محرمانه خواهد بود افراد به‌صورت ناشناس اقدام به اهدای اسپرم و تخمک می‌کنند این امر موجب عدم دسترسی به والدین بیولوژیک می‌شود حالتی که طفل را بدون وارث و مورث رها می‌کند به این معنا که طفل از والدین حکمی خود که او را فرزند حقیقی می‌دانند ارث نمی‌برد و والدین بیولوژیک او نیز مشخص نیست این نتیجه با منطق و عقل هماهنگی ندارد پس راه‌حل مصالحه تا اصلاح قوانین بهترین راه‌حل می‌رسد.

در برخی از شرایط تلقیح مصنوعی توسط اتباع ایرانی غیر شیعه انجام می‌گیرد زوجین ایرانی غیر شیعه از طریق تلقیح مصنوعی دارای فرزند می‌شوند از آنجایی که مطابق قانون احوال شخصیه ایرانیان غیر شیعه آن‌ها در احوال شخصیه از جمله ارث تابع مذهب خود هستند مشکلات فوق‌الاشاره در صورت پذیرش مذهب آن‌ها پیش نخواهد آمد کسانی که در ایران تحت حکومت قواعد عام قانون مدنی نیستند می‌توانند به طرق مختلف مشکلات مربوط به تلقیح مصنوعی را مرتفع کنند.

موسوی بجنوردی راه‌حل چالش‌های موجود در ارث را تغییرات در برخی از قواعد آن می‌داند به اعتقاد این فقیه عالی‌قدر ارث عمدتاً، تابع قواعد مکان و زمان است به این ترتیب هر دوره با توجه به مقتضیات عرفی خود اقدام به تعیین قواعد ارث می‌نمایند اسلام نیز با ظهور خود با توجه به شرایط آن زمان عربستان برخی از قوانین را تغییر داد بنابراین ارث همواره تابع عرف و عنصر مکان و زمان است. از این رو باید در قواعد ارث مواردی است که نیاز به حذفیات و ملحقات نماییم قائل شدن مواردی مانند نسب حکمی می‌تواند بسیاری از مشکلات موجود را حل نماید.

هیچ‌یک از این راهکارهای ارائه‌شده را به عنوان راه اصلی پذیرفت لازم است حکم قانونی به میان آید که وضعیت توارث والدین و فرزندان را مشخص نماید اگر توارث از زن صاحب تخمک را بپذیریم از آنجایی که عمدتاً اهدای تخمک محرمانه صورت می‌گیرد کودک قادر به دریافت ارث از او نمی‌باشد و نمی‌تواند از مادر و حتی پدر حکمی خود ارث ببرد و اگر زن صاحب رحم را به عنوان مادر بپذیریم در موارد رحم اجاره‌ای مشکلاتی در عمل پیش می‌آید؛ بنابراین بهترین راه در عمل آن است که مقنن توارث والدین حکمی را بپذیرد و بر آن‌ها کلیه آثار رابطه نسبی را بار نماید در این مسیر نیز می‌تواند از فتاوی‌ خاмене‌ای و گلبایگانی بهره‌مند شود.

۲-۳. بررسی ارث والد از ولد ناشی از بارداری‌های مصنوعی

به‌طورکلی باید بیان داشت که هر جا فرزند از والدین خود ارث می‌برد والدین نیز از او ارث می‌برند در این قسمت باید به این پرسش پاسخ داد که چه هنگامی در بارداری نوین والدین از فرزند خود ارث می‌برند؟

با توجه به ماده ۸۶۲ ق.م.ا.شخاصی که به‌موجب نسب ارث می‌برند سه طبقه‌اند:

۱. پدر و مادر و اولاد و اولاد اولاد
۲. اجداد و برادر و خواهر و اولاد آن‌ها
۳. اعمام و اعمات و احوال و خالات و اولاد آن‌ها

مسئله ارث‌بری طفل متولد از لقاح مصنوعی در مواردی که تلقیح همگون انجام‌شده است جای تردید نیست و والدین در این نوع تلقیح قادر هستند از طفل خود ارث ببرند؛ اما نکته در تلقیح ناهمگون و تلقیح از طریق رحم اجاره‌ای به‌ویژه در خصوص مادر با چالش‌های فراوانی همراه می‌شود. همان‌گونه که مشاهده شد برخی از فقها بر این باورند که هر دو مادر یعنی صاحب تخمک و صاحب رحم مادر طفل هستند که در فرض‌های پیشین با اشکالات آن در زمینه توارث فرزند از مادر آشنا شدیم و به این نتیجه رسیدیم که یک فرد قادر به ارث بردن از دو نفر نیست؛ اما در اینجا می‌توان ایراد دیگر این نظریه را مورد تحلیل قرارداد در حالتی که فرزند متولدشده از طریق لقاح مصنوعی زودتر از والدین خویش بمیرد بر طبق قواعد عمومی ارث والدین از او ارث خواهند برد. در این فرض ارث مادر چگونه باید بین دو زن مزبور تقسیم شود. توضیح آنکه همان‌طور که در قواعد عمومی ارث آمده است مادر از فرزند خود می‌تواند یک‌سوم یا یک‌ششم ارث ببرد. حال اگر نظریه این دسته را بپذیریم آیا باید ارث را میان زن صاحب رحم و زن صاحب تخمک تقسیم نماییم؟ این نتیجه با اصول فقهی سازگار نیست و باید یک زن را به‌عنوان مادر طفل به‌شمار آوریم و رابطه نسبی و توارث را میان او و فرزند برقرار نماییم. (۲۳) سهم مادر در صورت نبودن فرزند

انجام‌شده باشد بنابراین در این مورد طفل متولدشده تنها از مادر خود ارث خواهد برد و رابطه توارث با صاحب اسپرم برقرار نمی‌شود؛ اما اگر نظریه فقها و حقوق‌دانانی را قبول نماییم که قائل به دو مادری هستند به این معنا که صاحب تخمک و صاحب رحم را مادر حقیقی می‌دانند نیز قابل انتقاد است؛ زیرا در این صورت باید بپذیریم که کودک از هر دو زن ارث می‌برد امری که خلاف قوانین فقهی و حقوقی می‌باشد؛ اما مکارم شیرازی و سیستانی زن صاحب تخمک را مادر حقیقی دانسته و رابطه توارث را میان او و طفل متولدشده برقرار می‌دانند. (۲۰) این نظریه هم مانند پذیرش نظریه صاحب اسپرم به‌عنوان پدر حقیقی در بارداری‌های ناهمگون می‌تواند آثار نامطلوبی را در پی داشته باشد به‌نحوی که موجب کاهش تمایل اهدای تخمک به زنان نابارور و افزایش ناباروری می‌شود به همین دلیل تمسک به نظریه خاмене‌ای که قائل به مصالحه در این موارد است، بهتر است. (۲۷) گلبایگانی ضمن نپذیرفتن تلقیح مصنوعی و صدور حکم حرمت از نظر تکلیفی در احکام وضعی بیان می‌دارد در خصوص توارث باید با سایر فرزندان مصالحه صورت گیرد. (۲۱) مصالحه شاید بهترین راه و معقول‌ترین روش ممکن است البته پرواضح است که باید در این شرایط مقنن حتماً شرایط لازم برای مصالحه را روشن ساخته و همچنین تکلیف عدم مصالحه را نیز نمایان کند. در عمل والدین حکمی برای انتفاع فرزندان ناشی از لقاح مصنوعی از اموال خود از اقداماتی مانند وصیت، هبه به‌شرط نتیجه و امثال هم استفاده می‌نمایند. طبق حکم ماده ۸۵۱ ق.م.ا. که به‌موجب آن وصیت برای حمل صحیح دانسته شده، در موضوع وصیت کودک حاصل از رحم اجاره‌ای نیز جریان داشته و می‌توان نسبت به او نیز در دوران حمل وصیت کرد، اما تملک طفل نسبت به «موصی‌به» منوط به زنده متولد شدن اوست. طبق ماده ۸۵۲ ق.م.ا. که مقرر می‌دارد: «اگر حمل در نتیجه جرمی سقط نشود، موصی‌به به ورثه او می‌رسد، مگر اینکه جرم مانع ارث باشد» در این ماده فرض شده است که اگر جرم سبب سقوط حمل و تلف شدن او نشود و طفل زنده به دنیا آید، مالک موصی به خواهد شد. این فرض مبتنی بر حالت عادی و معمولی است که اگر حادثه‌ای اتفاق نیفتد، معمولاً حمل با گذراندن مراحل طبیعی خود، زنده متولد می‌شود. بدین جهت قانون او را مانند طفلی می‌داند که زنده متولدشده و شرط تملک موصی‌به را داشته است، در این صورت، مثل یک انسان کامل با تلف شدن او، موصی‌به به وارث او انتقال پیدا می‌کند، مگر اینکه جرم مانع ارث باشد، مانند آنکه وارث جنین، اقدام به ارتکاب جرم منتهی به سقط کرده باشد. (۱۸) آنچه مسلم است قانون‌گذار باید به میدان آمده و این آشفتگی و نابسامانی را مرتفع نماید زیرا نمی‌توان

- متن سخنرانی مزبور در کتاب روش‌های نوین تولیدمثل از دیدگاه<sup>۱</sup> فقه و حقوق اسلامی که در انتشارات سمت منتشر شده است موجود می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

برخی از فقها که تلقیح مصنوعی ناهمگون را در حکم زنا می‌دانند و آن دسته که آن را به دلیل اختلاط نسب حرام می‌دانند، نسب طفل را به هیچ‌یک از زن و مرد نسبت نمی‌دهند و بیان می‌کنند که فرزند متولد شده به هیچ‌یک از زن و مرد منسوب نمی‌شوند؛ اما مشهور موافقان آن را منسوب به صاحبان نطفه می‌دانند و گروه دیگر خواهان مصالحه در این زمینه هستند. انتساب طفل متولد شده به صاحبان نطفه در شرایطی که اهداکنندگان با والدین متقاضی متفاوت باشند، در توارث مشکلات جدی به وجود می‌آورد. فرزند از کسانی ارث می‌برد که آن‌ها را نمی‌شناسند و ممکن است مادر بیولوژیکی او شخصی بوده و پدر بیولوژیکی او شخص دیگری در برخی از موارد نیز ممکن است هویت اهداکنندگان محرمانه باشد که در این صورت فرزند بدون ارث باقی می‌ماند. ایراد دیگری که به این نظریه می‌توان در عمل وارد نمود، آن است که والدین متقاضی بدون وارث مانده و نمی‌توان محیط خانواده را مانند خانواده‌های طبیعی نمود. فاصله‌ای که در این خصوص ایجاد می‌شود موجب بی‌انگیزگی و سردی روابط شده و حتی ممکن است افراد اهداکننده را به دلیل عدم تمایل به بار مسئولیت ناشی از فرزندگی که هرگز آن را نداده‌اند، از اهدا منصرف کنند. در نتیجه تمایل افراد به اهدای تخمک و اسپرم کاهش یافته و ناباروری افزایش می‌یابد. در شیوه بارداری از طریق رحم اجاره‌ای نیز برخی بر این باورند که فرزند از آن زنی است که آن را به دنیا آورده است آن‌ها به برخی از آیات قرآن استناد کرده و ملاک تولد و زایمان را برای انتساب طفل به مادر کافی می‌دانند و گروه دیگر صاحب تخمک را مادر اصلی کودک قلمداد می‌نمایند. برخی از فقها نیز قائل به نظریه دو مادری بوده و هر دو زن را در حکم مادر طفل می‌دانند. این نظریات نیز هرکدام ایراداتی در عمل به همراه دارد. پذیرش ملاک تولد در فرضی که زن صرفاً به درخواست خانواده‌ای جنین را در رحم خود حمل می‌کند که در آن زن قادر به حمل جنین در رحم نیست، موجب بار نمودن مسئولیت مادری به او موجب عدم تمایل به این امر می‌شود. از طرف دیگر بی‌توجهی به نقش زن صاحب تخمک نیز با منطق سازگاری ندارد. پذیرش نظریه دو مادری نیز به آن مفهوم است که فرزند از دو زن ارث می‌برند و دو زن به‌عنوان مادر از فرزند که مخالف قواعد عمومی به نظر می‌رسد.

## References

## The Holy Quran

1. Araki, Mohammad Ali 1371, Taqfir al-Masail, Qom: Office of Islamic Propaganda.
2. Emami, Seyyed Hassan 1401, Civil Rights, Volume 3, Tehran: Islamia, 38th edition.

یک‌سوم ترکه است، حال اگر صاحب رحم و تخمک هر دو مادر باشند و متوفا دارای زوج و پدر و دو مادر باشد، بر اساس ظاهر آیات قرآن باید هریک از مادرها یک‌سوم ترکه و زوج نیز یک‌دوم ترکه را ارث ببرند و باقی‌مانده به قرابت به پدر می‌رسد، درحالی‌که فرض بالا مقدار سهام از ترکه بیشتر است و معلوم نیست که این مقدار اضافه از سهم چه کسانی باید کسر شود، زیرا در فقه امامیه موارد نقصان تر از سهام، فقط در مورد وجود بنت و بتین یا اخت و اختین پیش‌بینی شده است که در آن صورت نیز نقص به آن‌ها وارد می‌شود. از سوی دیگر، با توجه به این‌که در موارد اجتماع وارثان صاحبان فرض و قرابت، ابتدا صاحبان فرض سهم خود را از ترکه می‌برند و سپس باقی‌مانده به صاحبان قرابت می‌رسد، در فرض یادشده مادران و زوج از کسانی هستند که باید سهم خود را به‌طور کامل ببرند. نتیجتاً در فرض موردبحث، به پدر سهمی از ترکه اختصاص نخواهد یافت و این نتیجه قطعاً خلاف نص قرآن کریم و لازمه آن تأسیس فقه جدید است. (۲۵) برخی نیز برای رفع این مشکل می‌گویند همانند فرض تعدد زوجات می‌توان در این شرایط نیز سهم‌الارث مادر را به‌صورت مساوی بین مادران تقسیم نمود اما این فرض نیز قابل‌تردید است اولاً: اراده جنس از واژه «أم» در آیه شریفه «فلامه الثلث» خلاف ظاهر است، خصوصاً با ملاحظه اضافه واژه «أم» به ضمیر مفرد که به متوفاً راجع است، بلکه ظاهر از عنوان مذکور آن است که هر شخصی که متصف به این عنوان «أم» گردید و مادر متوفاً شناخته شد، سهم‌الارث او یک‌سوم از ترکه است. ثانیاً: قیاس مورد بحث با حصه زوجات متعدد که میان آن‌ها بالسویه تقسیم می‌شود، قیاس مع‌الفارق است، زیرا به نص آیه قرآن فرض یک‌هشتم یا یک‌چهارم به تمام زوجات اختصاص دارد، درحالی‌که چنین نصی در فرض موردبحث وجود ندارد، زیرا در آیه ۱۲ سوره نساء آمده است: «و لهن الربع مما ترکتم إن لم یکن لکم ولد فإن کان لکم ولد فلهن الثمن مما ترکتم». (۱۱)

اگر صاحب تخمک و اسپرم در تلقیح ناهمگون را والدین واقعی بدانیم در فرضی که صاحبان اسپرم و تخمک مشخص نیستند اموال فرزند متولد شده بلا وارث به شمار می‌رود و والدین حکمی او که مدت زیادی برای او زحمت کشیده‌اند و در فقدان آن‌ها درد و رنج او را تحمل نموده‌اند نیز از ارث او محروم شده‌اند اما اگر مصالحه در زمینه ارث را بپذیریم می‌توان ارث‌بری والدین حکمی در این شرایط را پذیرفت. (۱۳) در رحم اجاره‌ای همچنان که مشخص شد بیشتر فقها قائل به مادر بودن صاحب تخمک هستند اما اگر صاحب تخمک صرفاً از افراد اهداکننده باشد و زن متقاضی زن ثالث باشد نیز همان مشکل فوق پیش می‌آید که با مصالحه قابل‌حل است اما اگر صاحب رحم زن متقاضی باشد می‌تواند با مصالحه با صاحب تخمک مشکل ارث‌بری از فرزند حل گردد روی‌هم‌رفته کلیه مشکلات فقدان رویه واحد در قانون ایران و عدم اتفاق نظر فقها در این زمینه نیز کاملاً روشن است.

caused by artificial insemination), the first national conference on lawyering, ethics, jurisprudence and law, pages (10-10).

16. Lotfi, Asadullah. Saadat, Saleh 1390, (legal rulings of a child born from a surrogate womb), private law, number 19, pages (169-194).

17. Mossadeghi, Akram; Fallah, Akbar; Faqihi, Ali 1402, (legitimacy of descent and its effects in modern pregnancies), scientific-research quarterly of Quran and medicine, volume 8, number 1, pages (68-78)

18. Maqsoodi, Reza. Shafi'i, Hadith 2016, (Embryo donation and examination of laboratory embryo inheritance in Iranian jurisprudence and law), Rah Vakalat, year 9, number 18, pages (65-91).

19. Mousavi Bojanvardi, Seyyed Mohammad. Ahmadi, Reza 2016, (Investigation of the concept of inheritance and its historical foundations in the Islamic legal system by mentioning the opinions of Imam Khomeini (PBUH)), Matin, Volume 19, Number 74, Pages (1-24).

20. Ibn Mortaza, Ahmad Ibn Yahya 1368, Al-Bahr Al-Zukhar Al-Jamae for the Scholars of the Ulema Al-Masr, Egypt: Al-Khanji School.

21. Al-Sharbini, Mohammad Al-Khatib 1994, Mughni al-Mahatah al-Marifa meaning of the words of Al-Manhaj, vol. 3, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.

22. Khomeini, Seyyed Ruhollah 1420, Tahrir al-Wasila, Tehran: Qom: Dar al-Salam.

23. Khoei, Seyyed Abul Qasim 1410 AH, Minhaj al-Salehin, Qom: Madina al-Alam Publishing.

24. Khoei, Mohammad Taqi 1410, Basics of the description of al-Arwa al-Waghti (Kitab al-Nikah), Qom: Imam Khoei Institute for Revival of Works.

3. Jafari Langroudi, Mohammad Jaafar 2013, introductory course on civil rights (inheritance), Tehran: Ganj Danesh, third edition.

4. Javadi, Mohsen 1376, Theories of Faith, Qom: Jama'ah Al-Mustafi, first edition.

5. Khamenei, Seyyed Ali, 1381, Ajuba al-Istiftayat, Tehran: Al-Hadi.

6. Sayah, Ahmad, 2013, Arabic-Persian comprehensive dictionary, Tehran: Islamia bookstore, 16th edition.

7. Sistani, Seyyed Ali 1435, Explanation of References (Explanations and Additions), Mashhad: Ayatollah Sistani Office, 31st edition.

8. Shahidi, Mehdi 1401, Erth, Tehran: Samit, third edition.

9. Tabatabaei Seyyed Mohammad Hossein 1374, al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an translated by Mousavi, Islamic Publications Office.

10. Qiblai Khoei, Khalil 1381, Erth, Tehran: Samit, second edition.

11. Katouzian, Nasser, 2018, civil rights of the family, Tehran: Mizan, 10th edition.

12. Katouzian, Nasser, 2009, introductory course on civil rights (inheritance of wills, Shafea), Tehran: Mizan, 4th edition.

13. Haji Azizi, Bijan. Qafqazi al-Asl, Shahrzad 2013, (Investigation of the status of the inheritance of the fetus resulting from artificial insemination after the death of the sperm owner (father) from a jurisprudential and legal point of view), Private Law Research, No. 8, pages (121-136).

14. Tabatabaei, Mohammad Sadeq. Amoui, Maral 1391, (Inheritance of a child due to artificial insemination), Islamic jurisprudence and law researches, number 27, pages (55-72).

15. Qadiri, Elham 2013, (Investigation of parentage and inheritance of a child

25. Tabatabai, Seyyed Ali bin Muhammad 1412, Riaz al-Masail fi bayan al-Ahkam with evidence, Qom, Islamia, first edition.
26. Kilini, Mohammad bin Yaqub, 1365, Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiya.
27. Mohaghegh Hali, Jafar bin Hasan 1408, Islamic Laws in the Issues of Al-Halal and Haram. 2nd Ch., Qom: Ismailian Institute.
28. Muqaddis Ardabili, Ahmad 1420, Majma Al-Faidah and Al-Barhan, Volume 1, Qom: Al-Jamaa Al-Madrasin Baqam Al-Mushrafah, Al-Nashar al-Islami Institute, 3rd edition.
29. Najafi, Mohammad Hasan 1374, Javaher al-Kalam fi Sharh Shar'i al-Islam, Tehran: Dar al-Kutb Islamiyya, 6th edition.
30. Yazdi, Muhammad 1400, Salas Rasaila Faqih, Qom: Payam Mahdi, first edition.